

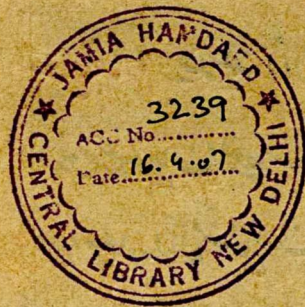
این کتاب که از بس دقیق است در افهام بعضی بنده آن سبک است و آن هم نمی آید اینها صحت تحقیقات
بسیار نقشه تحریر نموده و در بعضی مقام موقع و محل مناسب مقدم و موخر جایز داشته است
و بعضی احوال را در کتاب دیگر نیز که از ضروریات این مقام بود بقتل و در آورده ایم و در جمیع برادر
جمیع قاریان مبارک گردانا و در بین عنوان ارزوی و مکرم را هم عینی ترجمه پوتی هر دو حال که
متضمن بدیاریافت احوال طالع مولود که شغلش پیش است برادر و **برای علی** الهی قاریان
ست او گردان : دعای خیر از انبیا و گردان : بین باشد زو رکعت است میسدم : نقل
خود و کم آید و گردان : منت تمام شد ترجمه پوتی بهورت چنان من بقیف جگه پهلنگ

م م م م م

م م م



ماشت الاسرار



بسم الله الرحمن الرحيم

مقاله چهارم در علم هیت و آن منقسم است بر یک مقدمه و هم مقال و خاتمه مقدمه
 در تعریف علم هیت و بعضی مسائل در تقدم آن لازم است **مقاله اول** در هیات
 اجرام علویه و آن منقسم است بر ده باب **باب اول** در وضع اجرام بسطیه
باب دوم در بیان دوائر و قوسهای مشهوره **باب سوم** در بیان فلک الافلاک
 و فلک نواب و کواکب آن **باب چهارم** در بیان فلک شمسی **باب پنجم** در بیان
 افلاک کواکب علویه و زهره **باب ششم** در بیان فلک قمر **باب هفتم** در بیان فلک
 عطارد **باب هشتم** در بیان سبب زیادتی و نقصان ماه **باب نهم** در بیان خوف
باب دهم در بیان خوف **مقاله دوم** در هیات زمین و آنچه بدان تعلی و ملود
 و آن منقسم است بر چهار باب **باب اول** در هیات زمین **باب دوم** در بیان
 اقالیم **باب سوم** در بیان مساحت زمین **باب چهارم** در بیان تفاوت اجرام و

بیان و معانی **فصل** در بیان جدا کردن خط نصف النهار و سمت به و میان
 طول و عرض بلاد مشهوره **مقدم** علم باید دانست که اجرام بسیطه از
 کمیت و کیفیت و وضع و حرکت از جهت آن نحو نمایند در عالم جسمانی که در شکل است
 و معنی شکل گوی آنست که در داخل آن نقطه فرض بود که چون از آن نقطه
 جانب محیط خط نکند همه آنهاست و بر باشند و چون که متحرک شود حرکت وضعی
 بر نقطه هر یک فرض کنند بعد تمام دوره و دایره رسم کنند یکی از آن عظیمه و نصف کره باشد
 و آن را منطقه و فلک میگویند و در هر یک جامه آن و ظاهر صغیر باشند آنها را مدار
 نقطه یا خوانند و صورت یک از آنها متدیه باشد تا آنکه متعین شود بر نقطه متقابل که او را
 اصل حرکت بود و آن بود و نقطه را قطب نامند و خط که در اصل در میان دو قطب بود
 آنرا محور خوانند و جسم بسیط است یا مرکب بسیط لفلک کند یا عناصر و شکل طبیعی
 اجرام بسیطه گوی آنست و هر فلک سطح متوازی و لول و معنی متوازی سطحی آنست
 که بعد یکدیگر در هر یک برابر باشند و اجرام مرکب همه از ترکیب عناصر اند و اجرام
 در علم طبیعی که گویند **مقاله اول** در بیان اجرام علویه و آن مشتمل است بر دو باب
باب اول در وضع اجرام بسیطه بدانند در عالم جسمانی سیزده گره که در یکدیگر اند
 بهم پیوسته چنانکه سطح مغیر محیط مماس سطح محاذ است و آن همه بر گره که واحد

بودند از آن افلاک کما اندر یک یک آنها متولد السطحین و چهار از این عناصر اندر علم
 طبیعی از آنسانه خلد و ضرورت محو و چهار وجه و فلک مبرم است و چهار چگونگی از کواکب
 سه حرکت مختلف باشد از دو فلک قابل خرق و التیام نسبت بر این سه فلک تصور کرده
 صدور هر حرکتی از فلکی دانسته اند یکی از آن حرکت است که روزی که از مشرق و مغرب است
 و هر کواکب از آن حرکت شریک اند متخلفند که این حرکت از فلک است که روزی که
 بالاتر و محو و چهار است و چهار افلاک را تحت را با خود میبرد و دویم حرکت کواکب است که
 هر یک از آنها بر یکسان و نظام بطور السیر و متحرک اند و معرشتی از آن از فلک اول دانسته اند
 و معقب حرکت از کواکب است که آن همه حرکت خاصه اند و معرشتی و مبرورند کواکب
 را فلکی تصور کرده هر فلک شمرده اند و این کواکب را سیمه سیاره گویند و آن را نسبت
 زحل مشتری مریخ شمس زهره عطارد و قمر و این سیمه سیاره هم کواکب را
 سواد شمس و قمر و شمس و قمر نامند و چون سیمه سیاره و حرکات و احوال مختلف اند
 بعضی کای حیوان و کای نباتی و بعضی بطور السیر و زانی بعد از این بعضی و بعضی دیگر و تر
 از دنی و جنبی در رجوع و جنبی در استقامت جابران بطیموس هر فلکی را
 بحر انضباط و حرکات کواکب آنها منقسم از افلاک مجزئی دانسته اند و در میان افلاک سیمه
 مجمله گفته اند و توضیح این مرام در مختصر کنیا اینست که در بعضی اهل این ضاعنه

و توضیح سیر السیر